

تحلیل پدیدارشناختی قصه عشق استرنبرگ در بین زوج‌های متقاضی طلاق

احمد امانی^۱، شیدا کاظمی^۲

چکیده

یکی از عواملی که می‌تواند گرایش زوجین به طلاق را تبیین و پیش‌بینی کند، قصه عشق طرفین است. هدف پژوهش حاضر تحلیل پدیداری قصه عشق استرنبرگ در زوج‌های متقاضی طلاق بود. روش پژوهش، کیفی و از نوع پدیدارشناسی تفسیری بود و با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند ۱۴ زوج متقاضی طلاق در شهر سنندج مورد مصاحبه قرار گرفت. جهت جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختار یافته استفاده شد. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل پدیدارشناسی ون‌منن مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل مصاحبه‌ها منجر به شناسایی چهار طبقه (قصه ایثار-پلیسی، قصه ایثار-جنگ، قصه ایثار - وحشت و قصه باغ-جنگ) شد. یافته‌ها بیانگر این است که قصه عشق در زوج‌های متقاضی طلاق تناسب و سازگاری چندانی با یکدیگر ندارد و همین امر بروز تعارض زناشویی در روابط آن‌ها را پیش‌بینی می‌کند. همچنین این یافته‌ها حاکی از آن است که حتی اگر قصه عشق یکی از طرفین ماهیت و کارکرد سالمی داشته باشد، در صورتی که قصه عشق طرف

۱. دانشیار، گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. ایمیل: Ahmad.counsellor@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

ایمیل: Shaida.kazemi12@gmail.com

مقابل از سلامت ماهیتی و کارکردی برخوردار نباشد، احتمال بروز تعارض زناشویی در سطح بالایی قرار دارد. ضمن اینکه تأثیر فرهنگ در پیدایش و تداوم قصه‌های عشق چشمگیر است. بنابراین یافته‌ها می‌توان تأکید کرد که ارزیابی قصه عشق زوج‌های متقاضی ازدواج و زمینه‌سازی برای تناسب قصه عشق آن‌ها با یکدیگر در مشاوره‌های پیش از ازدواج می‌تواند تا حد زیادی در داشتن رابطه زناشویی موفق و همچنین کاهش میل به طلاق نقش داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: قصه عشق استرنبرگ، طلاق، پدیدارشناسی تفسیری، فرهنگ.

Phenomenological analysis of Sternberg love stories among couples seeking divorce

Ahmad Amani¹, Shaida Kazemi²

Abstract

One of the factors that can prognosticate and make the tendency of the couples towards divorce clear is the story of love. The goal of the present study is to investigate the lived experience of the love story of both couples. The study was qualitative interpretive phenomenology one. Using purposive sampling, interviewed 14 couples demanding divorce in Sanandaj, Iran. In order to collect the data a semi-structured interview was conducted. The data were analyzed based on Van manen phenomenological analysis. Analyzing the data led to recognition of four classes (the story of sacrifice-police, the story of sacrifice-fight, the story of sacrifice-horror and the story of garden-fight). The findings revealed that the love story of each side is not in accordance with the other one and this anticipates the emergence of matrimony conflicts. On the other hand, these findings show that even if the love story of one side has a healthy essence and use, the probability of emergence of matrimony conflicts is high when the love story of the other side is not of a healthy essence and use. At the same time, the influence of culture on the emergence and continuity of love stories is significant. Based on the findings, it can be confirmed that assessing the love story of the couples demanding marriage and planning for fitting their stories in before marriage consultation and also improving and conducting their stories to one direction can prognosticate successful matrimonial relationship and reduce the tendency towards divorce to a large extent.

Keywords: Love Story, Divorce, Interpretive Phenomenology, Culture

1. Associate Professor, Department of Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.Email: Ahmad.counsellor@gmail.com

2. Master student, Department of Counseling, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.Email: Shaida.kazemi12@gmail.com

مقدمه

ازدواج، عالی‌ترین رسم زندگی اجتماعی است که با ایجاد پیوند عرفی، شرعی و قانونی بین دو جنس، ضمن ایجاد محیطی امن و سرشار از مراقبت برای طرفین زمینه را برای شکل‌گیری نهاد خانواده به‌عنوان اولین نهاد اجتماعی فراهم می‌سازد (امینی، ۱۳۹۷؛ براون و رایت^۱، ۲۰۱۷؛ افشاری، ۱۳۹۴؛ مارفاتیا^۲ و همکاران، ۲۰۱۷). موفقیت کارکردی سیستم زناشویی و ثبات کارکردی^۳ آن اگرچه یکی از اصلی‌ترین اهداف افراد و نهادهای اجتماعی است (شاه‌کرمی، ۱۳۹۴)، با این حال واکاوی پیشینه‌های نظری و تجربی در حوزه ازدواج و خانواده، بیانگر آن است که درصد زیادی از این روابط، از کیفیت چندانی برخوردار نیستند و با طیفی از آشفتگی‌ها^۴ و بدکارکردی‌های تعاملی مواجه هستند، بدکارکردی‌هایی که به‌مرور زمینه را برای از هم گسیختگی تعاملی زوجین و جدایی آن‌ها از یکدیگر فراهم می‌کند (فرانکل و همکاران، ۲۰۱۵؛ هوسوکاوا و کاتسورا^۵، ۲۰۱۷؛ ماتشیدی و نموتاندانی^۶، ۲۰۱۷). با توجه به اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور آمار ازدواج و طلاق سال ۱۴۰۰ تعداد ازدواج‌های ثبت شده نسبت به سال ۱۳۹۹ حدود ۷٪ افزایش داشته و تعداد طلاق‌ها به حدود ۱۸۳ هزار مورد رسیده. در استان کردستان نیز تعداد طلاق‌ها در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، ۱۶٪ افزایش داشته و تعداد ازدواج‌ها نیز ۶٪ کاهش داشته است. افزایش شیوع طلاق در سطح جامعه و بدکارکردی‌هایی که به دنبال آن ایجاد می‌شود، این ضرورت را ایجاد کرده است که راهکارهایی برای مقابله با آن اندیشیده شده و از بروز آن تا حد ممکن جلوگیری شود. تدوین راهبردهای پیشگیرانه و درمانی زمانی ممکن است که علل و عوامل تأثیرگذار در بروز آن مورد توجه و مبتنی بر آن‌ها برنامه‌هایی کارکردی و مؤثر طراحی شود. علل و عوامل مختلفی نظیر اعتیاد، اختلالات شخصیتی و فقدان سلامت روانی (قاسمی و ساروخانی، ۱۳۹۲؛ وینبرگ، ۲۰۱۵). نارضایتی‌های جنسی، نارضایتی عاطفی، تعارض و آشفتگی زناشویی (محمدپور، ۱۳۹۳؛ والگارد^۷، ۲۰۱۷؛ گوستاوسن^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). تفاوت‌های عمیق نگرشی، وضعیت بد

1. Brown & Wright
2. Marphatia
3. Functional stability
4. Communication disturbances
5. Hosokawa & Katsura
6. Matshidze & Nemutandani
7. Vallgård

اقتصادی و بیکاری (بهاری ساروخیل، ۱۳۹۴؛ مقدم سامان، ۱۳۹۴) در گرایش زوجین به طلاق تأثیر دارند. جدای از علل شناسایی شده، در مطالعات نظری و تجربی، یکی دیگر از عواملی که می‌تواند تبیین‌کننده گرایش زوجین به طلاق باشد، قصه‌ی عشق ۲ طرفین می‌باشد. مفهوم قصه عشق برای اولین بار توسط استرنبرگ ۳ (۱۹۹۵) جهت روشن‌سازی و تفهیم ماهیت پیوند زوجین با یکدیگر و تداوم بخشی به روابط عاشقانه مابین آن‌ها ارائه گردیده است. این نظریه جاذبه و کشش عاشقانه را منوط به همسانی یا مشابهت قصه‌های عشق ناهشیار دو نفر می‌داند (هدایتی، ۱۳۹۸). استرنبرگ (۲۰۰۰) معتقد است افراد از طریق قصه عشق دست به انتخاب شریک زندگی خود می‌زنند و نقش مهمی در انتخاب همسر و شکل‌گیری الگوی ارتباطی زوجین دارد. در عین حال، عشق جنبه‌ی مهمی از زندگی است (بیتس ۴ و همکاران، ۲۰۱۶). و نقش مهمی در حفظ ارتباطات بین فردی دارد (نیمفا ۶۵ و همکاران، ۲۰۱۵). عشق فرآیندی است که افراد از طریق آن جذب یکدیگر می‌شوند و امروزه به عنوان چارچوبی برای انتخاب شریک زندگی تعریف می‌شود (صبوری، ۱۳۹۵). و از عواملی است که در روابط نزدیک سبب موفقیت شده است. چنانچه در ادبیات‌های مربوط به ازدواج از عشق و قصه عشق نیز به عنوان یکی از متغیرهای تأثیرگذار نام برده می‌شود و توجه را به خود جلب می‌کند (صوفی نژاد و مرادی، ۱۳۹۵). ماهیت عشق از بعد روان‌شناختی به عنوان یک مسئله قابل بحث و تا چندی پیش به عنوان یک زمینه مهم پژوهشی مورد توجه قرار نمی‌گرفت، ابهامات و کاستی‌های موجود در زمینه عشق موجب گردید که پژوهش‌های متعددی پیرامون شناسایی ماهیت و توصیف عشق صورت گیرد. روان‌شناسان اجتماعی در صددند که دریابند، چگونه برخی از ارتباطات مختل می‌گردد. چرا برخی از دوستی‌ها به شکست منتهی می‌شود و فرد را دستخوش ناکامی و عوارض ناشی از محرومیت عشق می‌گرداند، در حالیکه برخی دیگر از آن‌ها به موفقیت منجر شده و برای فرد رضایت‌مندی و خرسندی از تعاملات را به همراه می‌آورد؟ (حسین مردی

-
1. Gustavsen
 2. Love story
 3. Sternberg
 4. Bates
 5. Nympha

۱۳۹۰). نیمفا و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود گزارش دادند که بین عشق و تداوم رابطه عاشقانه، رابطه‌ی مثبت و معنی‌داری وجود دارد و هرچه قدر عشق و علاقه بین زوجین بیشتر باشد، آنان از تعهد و رضایت‌مندی زناشویی بیشتری برخوردار خواهند شد. شیتز (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی شهوت و شعف برای زندگی کردن و همچنین توسعه خویشتن و عشق در طی زندگی پرداخت و تداوم عشق زوجین را به یکدیگر در طول زندگی مدنظر قرار داد. وی تأکید کرد که زوجین در اوایل زندگی زناشویی فرصت و امکانات بیش‌تری برای توسعه خود دارند و عشق شدت بیش‌تری در میان آن‌ها دارد. با این حال در طی زمان از شدت این عشق و میزان بسط خود کاسته می‌شود. لذا شور و شعف در طی رابطه پایین آمده و عشقی آتشین به عشقی دوستانه مبدل می‌شود. هرچه سطح تجارب خود بالاتر باشد احتمال تجربه عشق آتشین در سطح بالاتری قرار دارد. همچنین سیلور (۲۰۰۶) به بررسی پدیدارشناختی کاهش و یا از بین رفتن عشق رومانیتیک در زوجین پرداخت. یافته‌های بدست آمده بیانگر این واقعیت بود که بینش نسبت به موضوع خروج از عشق رومانیتیک با همسر، به گذر زمان متکی است و با بررسی تجارب گذشته و تضاد بین عشق رومانیتیک ادراکی در گذشته و زمان حال به وقوع می‌پیوندد. خارج شدن از عشق رومانیتیک به صورت تدریجی به وقوع می‌پیوندد. اسپرچر (۲۰۰۲) در پژوهش خود تصریح کرد که عشق یکی از لازمه‌های حفظ ثبات پیوند زناشویی است. عشق، یک مسئله یک بُعدی نیست بلکه واقعیتی پیچیده، چندبعدی و فرایندی است که افراد، ممکن است آن را در روابط مختلفی تجربه کنند. عشق برای توصیف نزدیکی ارتباطی بین عشاق، زوجین، والد - فرزند و حتی دوستان استفاده می‌کنند. هاتفیلد و الاستر (۱۹۸۷) و رایسون (۱۹۹۶) در پژوهش‌های خویش تصریح کردند که عشق تند با عشق رفاقتی تفاوت زیادی با یکدیگر دارند. عشق تند با هیجان‌های مشدد، میل جنسی و مشغولیت فکری زیاد به طرف مقابل همراه است، شروع آن سریع و شدید است و به مرور زمان سرد می‌شود. گاهی ممکن است این عشق مینا و زمینه‌ی شکل‌گیری عشق رفاقتی و مصاحبتی شود. عشقی که خفیف‌تر است ولی از پایداری، اعتماد دوسویه و مراقبت بیش‌تری همراه است. رابین (۱۹۷۰) در پژوهش خود تأکید کرد که عشق ورزیدن تفاوت زیادی با دوست داشتن دارد.

عشق‌ورزی حالت شدیدتر دوست داشتن نیست، بلکه دربرگیرنده گستره‌ای از احساس‌ها و نگرانی‌ها در مورد معشوق است. دوست داشتن با تحسین و محبت فرق دارد. عشق‌ورزی نوعی صمیمیت، دل‌بستگی و مراقبت را شامل می‌شود. افراد قصه‌های عشق متفاوتی دارند و همین امر کیفیت رابطه و میزان صمیمیت آن‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در این زمینه کرمی (۱۳۹۸) در پژوهشی بر روی معلمان متأهل نشان داد که نیازهای اساسی گلاسر و طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر به پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی افراد می‌باشد. مختاری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت‌عنوان تغییر "عشق واقعی" به "دوست داشتن منطقی" یک تحقیق پدیدارشناسی، تجربه زیسته زنان متأهل شهر اصفهان را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که ادراک عشق زناشویی از دیدگاه مشارکت‌کنندگان شامل مضامین زمانمند و غیرزمانمند می‌باشد. مضامین زمانمند تحت عنوان "عشق قابل تغییر" به تحول ماهیت عشق در طی زمان از "عشق واقعی" در زمان ازدواج به "دوست داشتن منطقی" با شروع پیوند زناشویی اشاره دارد. صمیمیت جنسی بُعدی از تجربه "عشق تغییرپذیر" با تکیه بر دو مسیر "فقدان پذیرش - پذیرش" و "پذیرش - پذیرش" شکل می‌گیرد. نوری و رمضان (۱۳۹۷) در پژوهش خود با استفاده از مقیاس قصه عشق نشان دادند که بین سبک‌های دفاعی با قصه‌های عشق مردان و زنان متأهل رابطه وجود دارد. همچنین زرگرباشی و فرهنگی (۱۳۹۷) در پژوهش خود با استفاده از مقیاس قصه عشق نشان دادند که اعتماد در روابط زناشویی با قصه عشق رابطه دارد. صوفی‌نژاد و مرادی (۱۳۹۵) نیز با استفاده از مقیاس قصه عشق که بیانگر این بود که عدم مکمل بودن قصه‌های عشق می‌تواند علتی برای تزلزل زندگی زوجین باشد. بنابراین اولین عاملی که ضرورت انجام پژوهش حاضر را آشکار می‌سازد مسئله طلاق است که به‌عنوان یکی از مخرب‌ترین آسیب‌های روان‌شناختی - اجتماعی همواره در بین زوجین ایرانی در حال شیوع است. به‌گونه‌ای که ایوری (۱۳۹۳) شیوع طلاق را در بین زوجین ایرانی از هر چهار ازدواج یک ازدواج گزارش کرده است. دومین عاملی که ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد و می‌بایست به‌صورتی جداگانه مورد بررسی قرار گیرد این است که طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی با طیف گسترده‌ای از آسیب‌های درون‌فردی، بین‌فردی و محیطی نظیر غمگینی و افسردگی همبسته می‌باشد. (کرمی و همکاران، ۲۰۱۲) و در نهایت پیشینه‌های نظری و تجربی بیانگر این مسئله هستند که وجود عشق در فرایند روابط زوجی و همچنین تناسب قصه‌های عشقی زوجین با یکدیگر، نقش زیادی در ثبات

کارکردی و رضایت ارتباطی زوج‌ها از پیوند خویش دارد و کارآیی آن‌ها را در رسیدگی به تکالیف زوجی خویش در ابعاد مختلف افزایش می‌دهد (صوفی‌نژاد و مرادی، ۱۳۹۵). بنابراین احتمال اینکه قصه‌های عشق در بروز طلاق نقش موثری داشته باشند بسیار قوی و حائز اهمیت می‌باشند. با توجه به پیشینه تحقیق، قصه‌های عشق زوج‌ها تأثیر مهمی در روابط زوج‌های متقاضی طلاق دارد. هدف این پژوهش این بود که قصه‌های عشق بین زوج‌های متقاضی طلاق، در قالبی کیفی واکاوی شود، ضمن روشن‌سازی و تفهیم چگونگی به‌کارگیری عشق در طی رابطه زوجی توسط این گروه، ارتباط آن با بدکارکردی‌های زناشویی و گرایش به طلاق در زوج‌ها مشخص شود. لذا، انجام چنین اقدامی ضمن اینکه فهم قصه‌های عشق را در این گروه از افراد ممکن می‌سازد و از طرفی زمینه را برای طراحی و اجرای برنامه‌هایی اصلاحی و اجتنابی از طلاق را در این افراد فراهم می‌نماید. بنابراین هدف این پژوهش بر این است که قصه عشق در زوج‌های متقاضی طلاق در شهر سنج چگونه است

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی تفسیری است. پدیدارشناسی، علم بررسی عمیق و بدور از سوگیری واقعیت پدیده‌ها از دیدگاه افراد است. در واقع این روش تلاش دارد تا واقعیت موضوعات مختلف را با تمرکز بر دنیای پدیدارشناختی و تجربی افراد روشن کند و فهم جامع آن را به دور از هرگونه قضاوتی ممکن سازد (بازرگان، ۱۳۹۳؛ عاطفی، ۱۳۹۸). پدیدارشناسی به جای درگیر شدن در قواعد و قوانین، به دنبال انجام تحلیل‌های توصیفی از تجارب شرکت‌کنندگان می‌باشد که زمینه را برای شناخت عمیق و تفسیر پدیده‌های اجتماعی فراهم می‌کند (گال و همکاران، ترجمه‌ی اصفهانی، ۱۳۹۴). جامعه مورد مطالعه این پژوهش شامل زوجین متقاضی طلاق در شهرستان سنج است که در سال ۱۳۹۸ به مرکز خدمات روانشناسی و مشاوره پرتو بامداد مراجعه کرده‌اند، روش نمونه‌گیری در این پژوهش نمونه‌گیری هدفمند بود و حجم نمونه هم مبتنی بر اشباع نظری تعیین شد، یعنی فرآیند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا کرد که طی فرآیند تجزیه و تحلیل اطلاعات جدیدی از داده‌های حاصل از مصاحبه استخراج نشد. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بودند از: متقاضی طلاق باشند، از سلامت روانی برخوردار باشند، حداقل دارای تحصیلات متوسطه اول باشند، تمایل به مشارکت در پژوهش داشته باشند. به منظور

گردآوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد؛ مصاحبه به شرکت کنندگان این امکان را می‌دهد تا دیدگاه خود را آن‌گونه که تجربه کرده‌اند با عبارات خود بیان کنند. سؤالات مصاحبه پس از مرور ادبیات تحقیق، براساس موضوع مورد پژوهش زیر نظر چند تن از متخصصین حوزه مشاوره خانواده تدوین شد. فرایند مصاحبه با یک سوال کلی در مورد قصه عشق (دیدگاه شما از عشق چیست؟ ویژگی‌های یک همسر ایده‌آل از دیدگاه شما چیست؟) آغاز شد و با استفاده از سوالات باز و تشویق-گر نظیر می‌توانید بیش‌تر توضیح دهید؟ ادامه پیدا کرد. هر مصاحبه پس از اتمام تحلیل می‌شد و سپس مصاحبه بعدی انجام می‌شد. این فرایند تا زمانی ادامه پیدا کرد که اطلاعات اکتسابی اشباع شدند. در این پژوهش اشباع اطلاعاتی در زوج دوازدهم اتفاق افتاد و پژوهشگر دو زوج دیگر را برای اطمینان از اشباع اطلاعات مورد مصاحبه قرار داد. بنابراین بطور کلی حجم نمونه پژوهش حاضر ۱۴ زوج (۲۸ نفر) بود که به‌طور میانگین زمان مصاحبه با هر کدام از زوج‌ها ۶۰ تا ۹۰ دقیقه بود. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها از روش شش مرحله‌ای ون منن^۱ (۱۹۹۰) استفاده شد. در رویکرد پدیدارشناسانه ون منن، مطالعه تجربه زیسته و دستیابی به عمق آن از طریق توصیف و تبیین علمی، دقیق و از یک چشم‌انداز خاص فراهم می‌آید (ون منن، ۱۹۹۰). پدیدارشناسی به معنای ادراکی است که افراد از پدیده مطالعه شده دارند؛ نه معنایی که آن پدیده جدا از ذهن افراد دارد (ون منن، ۲۰۱۶). بر همین اساس بعد از ضبط مصاحبه، مصاحبه به‌صورت کامل به متن تبدیل شد و بلافاصله پس از تبدیل شدن به متن، برای حصول اطمینان از دقت کار با مصاحبه ضبط شده تطبیق داده شد. در پدیدارشناسی تفسیری، ون منن شش گام را برای تفسیر داده‌های خام جمع‌آوری شده معرفی کرده است که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. گام اول، با هدف روی آوردن به ماهیت تجربه زنده انجام شد. گام دوم کنکاش تجربه مورد بررسی به همان گونه که زیسته شده، گام سوم، تأمل بر درون‌مایه‌های ذاتی که مشخص کننده پدیده بودند. گام چهارم هنر نوشتن و بازنویسی بود، گام پنجم، حفظ ارتباط قوی و جهت‌دار با پدیده و گام ششم، مطابقت یافته پژوهش با در نظر گرفتن ارتباط بین اجزا و کل بود. جهت سنجش اعتبار داده‌ها از روش اعتبارسنجی گوبا و لینکولن^۲ (۱۹۸۹) بهره

گرفته شد. برای تأمین صحت داده‌های گردآوری شده، گفته‌های افراد مبنای تحلیل قرار داده شد و سعی بر این شد تا از دخالت دادن نگرش‌های خود در فرایند تحلیل اجتناب شود. برای تأمین اصل باورپذیری اطلاعات گردآمده، تلاش شد صمیمیت و اعتماد کافی، در تعامل با مشارکت‌کنندگان ایجاد شود و بدین‌شکل اطلاعات کاملی از آن‌ها بدست آورده شد. همچنین قبل از شروع مصاحبه با تسلط کامل بر سؤالات مصاحبه، به بهترین و روشن‌ترین شکل ممکن فرایند مصاحبه را آغاز و تداوم بخشیده شد. این روند سبب شد که کامل‌ترین میزان اطلاعات ممکن از مصاحبه‌شوندگان به دست بیاید. جهت تأمین اطمینان‌پذیری اطلاعات گردآمده، در فرایند تحلیل از نظارت استاد راهنما و همچنین یک فرد متخصص در تحلیل کیفی استفاده شد و با همراهی آن‌ها ثبات و دقت فرآیند تحلیل تا حد زیادی افزایش داده شد. در پایان برای تأمین تأییدپذیری یافته‌ها، نتایج بدست آمده در اختیار هر مصاحبه‌شونده قرار داده شد تا آن‌ها در مورد صحت و دقت اطلاعات بازخورد خود را ارائه بدهند. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، هنگام مصاحبه، ضمن توضیحات کافی درباره اهداف تحقیق، بر محرمانه بودن هویت و اطلاعات افراد تأکید شد و اصل رضایت آگاهانه افراد برای تصمیم به شرکت در پژوهش در نظر گرفته شد.

یافته‌ها

ابتدا به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان اشاره شده است و سپس نتایج حاصل از تحلیل گویه‌های مصاحبه‌شوندگان پیرامون هدف پژوهش ارائه و با تکیه بر نقل قول‌ها مستندسازی شده است.

جدول ۱.... اطلاعات جمعیت‌شناختی

ردیف	جنس	سن	تحصیلات	شغل	سابقه تأهل (به سال)	تعداد فرزند
۱	زن	۳۷	کارشناسی ارشد	کارمند	۱۶	۱
	مرد	۳۷	کارشناسی	آزاد	۱۶	۱
۲	زن	۲۳	دیپلم	خانه‌دار	۵	۱
	مرد	۲۸	دیپلم	آزاد	۵	۱
۳	زن	۲۹	کارشناسی	کارمند	۲	—
	مرد	۳۴	کارشناسی	آزاد	۲	—

تحلیل پدیدارشناختی قصه عشق استرنبرگ..... ۱۴۹

۴	زن	۲۲	سیکل	خانه‌دار	۴	-
۳۶	مرد	۳۶	کارشناسی	آزاد	۴	-
۳۴	زن	۳۴	دیپلم	خانه‌دار	۱۵	۱
۳۴	مرد	۳۴	سیکل	آزاد	۱۵	۱
۳۳	زن	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	۱۴	۲
۴۵	مرد	۴۵	کارشناسی	کارمند	۱۴	۲
۳۳	زن	۳۳	دیپلم	خانه‌دار	۱۵	۲
۳۸	مرد	۳۸	دیپلم	آزاد	۱۵	۲
۲۰	زن	۲۰	سیکل	خانه‌دار	۴	۱
۳۰	مرد	۳۰	سیکل	آزاد	۴	۱
۳۸	زن	۳۸	کارشناسی	خانه‌دار	۱۵	۲
۴۸	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	کارمند	۱۵	۲
۵۴	زن	۵۴	سیکل	خانه‌دار	۳۷	۳
۵۹	مرد	۵۹	دیپلم	آزاد	۳۷	۳
۳۲	زن	۳۲	دیپلم	خانه‌دار	۱۰	۱
۳۵	مرد	۳۵	دیپلم	آزاد	۱۰	۱
۳۵	زن	۳۵	سیکل	خانه‌دار	۱۲	۱
۴۵	مرد	۴۵	دیپلم	آزاد	۱۲	۱
۲۵	زن	۲۵	دیپلم	خانه‌دار	۳	-
۳۷	مرد	۳۷	کارشناسی	آزاد	۳	-
۲۷	زن	۲۷	کارشناسی	خانه‌دار	۵	۱
۳۲	مرد	۳۲	دیپلم	آزاد	۵	۱

بنابر اطلاعات جدول جمعیت‌شناختی، ۱۴ زوج (۱۴ زن و ۱۴ مرد) مورد مصاحبه قرار گرفتند. میانگین سنی زنان مشارکت‌کننده ۳۱,۵ سال بود؛ میانگین سنی مردان مشارکت‌کننده ۳۸,۴ سال بود؛ سابقه تأهل شرکت‌کنندگان حداقل دو سال و حداکثر ۳۷

سال بود. همچنین شش نفر از زوجین فاقد فرزند و مابقی حداقل یک فرزند داشتند. جهت فهم بهتر نتایج و جلوگیری از ابهام در درک آن‌ها، ابتدا گفته‌های زوجین به صورت متمایز تحلیل و جدول بندی شد. سپس زوجینی که قصه عشقشان کاملاً مشابه بود مضمون‌بندی گفته‌های آنها به صورت ترکیبی ارائه شدند. برای مثال قصه عشق زوج اول، سوم و چهاردهم ایثار و پلیسی بود. اما (قصه عشق باغ-قصه عشق جنگ) به صورت ترکیبی (زن و مرد) ارائه شده است. در این گروه برخی از زنان و مردان قصه عشق باغ و برخی قصه عشق جنگ داشتند. به خاطر این اختلاط، تحلیل به صورت ادغامی ارائه شده و جنسیت تفکیک نشده است چون امکان آن وجود نداشت.

جدول ۲.... زیرمضامین و مضامین پدیدار شده از تحلیل داده‌ها

مضمون اصلی	زیرمضامین	مفاهیم اولیه
الگوی عشق ایثار-پلیسی	قصه عشق ایثار (مرد)	صبور بودن، مدارا کردن با مشکلات، تحمل بیش از حد، گذشت‌های افراطی، تحمل شرایط سخت بخاطر همسر، نقش خدمت کار داشتن در زندگی.
	قصه عشق پلیسی (زن)	کنترل‌گری، بی‌اعتمادی، شکاکیت، منزوی کردن همسر، سرزنش مداوم، تصمیم‌گیرنده بودن.
الگوی عشق ایثار-جنگ	قصه عشق ایثار (زن)	سازش با مشکلات، از خودگذشتگی به خاطر علاقه به همسر، سازش به خاطر فرزند، کوتاه‌آمدن در جر و بحث، تبعیت کامل از همسر، گذشت از خانواده اصلی بخاطر همسر.
	قصه عشق جنگ (مرد)	خشونت بدنی _ کلامی، توهین، تهمت، سوءاستفاده از سازش همسر، بی‌احترامی مکرر، بی‌ثباتی رفتار، بددهنی.
الگوی عشق ایثار-وحشت	قصه عشق ایثار (زن)	پذیرش مشکلات به خاطر علاقه به همسر، تحمل بی توجهی‌های همسر، گذشت کردن به امید بهبود اوضاع، راضی نبودن به طلاق به خاطر فرزند، التماس به همسر برای تغییر رفتار، پذیرش نقش منفعلانه.
	قصه عشق وحشت (مرد)	محدود کردن همسر، ابراز تنفر از همسر، نادیده گرفتن همسر، آزار و خشونت جنسی، برخورد شی‌گونه با همسر

الگوی عشق باغ-جنگ	قصه عشق باغ (زن و مرد)	عشق‌ورزی زیاد به همسر و زندگی، احترام و همراهی مداوم با همسر، انجام وظایف خانه‌داری باعشق، تلاش برای گرم شدن رابطه، صرف وقت زیاد برای خانواده.
	قصه عشق جنگ (زن و مرد)	پرخاشگری زیاد، مخالفت بی‌دلیل، ناسازگاری مفرط، بی‌ثباتی رفتاری، اجبار همسر به قطع ارتباط با دیگران

۱) قصه عشق ایثار - قصه عشق پلیسی

زوج شماره ۱، ۳، ۱۴ در این طبقه بودند.

الف) قصه عشق ایثار (مرد)

در قصه عشق ایثار یکی از طرفین خواسته‌ها و تمایلات طرف مقابل را برآورده کرده و خود را وقف وی می‌کند. قصه فداکاری زمانی منجر به رضایت می‌شود که دو طرف رابطه از نقش هایشان راضی باشند، چنانچه این افراد حس کنند فداکاری به صورت یک طرفه است رابطه به شکست منتهی می‌شود. "من خیلی صبور بودم نمی‌تونستم بهش نه بگم، همیشه در برابر کارهای صبور می‌کردم" (شرکت کننده مرد ۱). "همیشه اطرافیانم بهم گفتن که چطوری این زندگی رو تحمل می‌کنی، من به خاطر بچه‌ها تحمل می‌کردم" (شرکت کننده مرد ۳). "هیچ کس جای من نیست بفهمه چی کشیدم. چون به زخم علاقه داشتم تحمل می‌کردم" (شرکت کننده مرد ۱۴).

ب) قصه عشق پلیسی (زن)

در قصه عشق پلیسی، یکی از طرفین همواره مثل یک پلیس طرف مقابل را تحت بررسی قرار داده و او را کنترل می‌کند و مهمترین مشخصه آن نظارت مداوم یکی از طرفین بر دیگری است. فردی که قصه پلیسی دارد خود را در قبال طرف مقابل و تمامی برنامه‌هایش مسئول دانسته و از این جهت است که خود را مختار به نظارت وی می‌بیند (استرنبرگ، ۱۹۹۸). "شما خودتون وضعیت جامعه رو می‌بینی چقد افتضاحه بخوای همسرت سالم بمونه باید مراقبش باشی" (شرکت کننده زن ۱). "به نظر من نقش تصمیم گیرنده برای مرد نیست. هدایت اصلی کارها باید با زن باشه. زنه که مرد رو جمع و جور میکنه" (شرکت کننده زن ۳). "زمانه جوروی شده آدم نمی‌تونه به کسی اعتماد کنه؛ به نظرم وقتی یکی رو زیاد آزاد

بگذاری بهت ضربه میزنه" (شرکت‌کننده زن ۱۴).

۲) قصه عشق ایثار - قصه عشق جنگ

زوج شماره ۲، ۶ و ۱۳ این مضمون را داشتند

(الف) قصه عشق ایثار (زن)

در قصه عشق ایثار، فرد مدام بخشش و فداکاری دارد، یکی از ویژگی‌های افراد دارای قصه عشق ایثار، حس اجبار فرد برای فداکاری است، و امکان دارد فرد از نقش فداکار داشتن راضی نباشد اما همچنان به فداکاری خود ادامه دهد، **علت** این ادامه لزوماً راضی نگه داشتن همسر خویش نیست بلکه علتش تعهد شخص به قصه عاشقانه خودش است. "من قبلاً انقد با همه چیز ساختم و گذشت کردم الان همه تعجب می‌کنن که طلاق می‌خوام" (شرکت‌کننده زن ۶). "من چون دوسش داشتم رفتم شهری که کارش اونجا بود توی زیرزمین ۱۲ متری باهاش زندگی کردم" (شرکت‌کننده زن ۲). "به نظر خودم اطاعت کردم ازش اشتباه بود. نباید هرچی میگفت گوش می‌دادم شاید عوض میشد" (شرکت‌کننده زن ۱۳).

(ب) قصه عشق جنگ (مرد)

در قصه عشق جنگ که مملوء از تنش است و این درگیری‌ها بر کل رابطه تسلط دارد. افرادی که قصه جنگ دارند این تفکر را دارند که لازم است همواره برای اعتقاداتی که دارند بجنگند چون همیشه طرف مقابل خود را مخالف خود تلقی می‌کنند. این شکل ارتباطی تنها زمانی موفق است که طرفین رابطه یک قصه مشترک داشته باشند. در غیر این صورت رابطه منجر به تعارض شدید می‌شود و باعث شود فردی که قصه جنگ ندارد حس کند به شدت تخریب شده است (استرنبرگ، ۱۹۹۸). "هر بار قهر می‌کردم، به اصرار خانوادم دوباره برمی‌گشتم پیشش چون بچه داشتم، اما باز با کتک و توهین اذیت می‌شدم" (شرکت‌کننده زن ۲). "زنم عادت به قهر کردن داره آخرش خودش پشیمون میشه مثل همه دفعاتی که برگشت به زندگیش" (شرکت‌کننده مرد ۲). "راستش عیبی که دارم وقتی عصبانی میشم زبانم تلخ میشه دست خودم نیست خودم می‌دونم" (شرکت‌کننده مرد ۶).

۳) قصه عشق ایثار - قصه عشق وحشت

زوج شماره ۷، ۱۱ و ۱۲ این قصه‌های عشق را داشتند.

قصه عشق اینار (زن)

"به خاطر علاقه‌ای که به همسرم داشتم این چند سال تحمل کردم؛ ولی الان دیگه نمیتونم" (شرکت کننده زن ۱۲) "همسرم چندساله اصلاً به من توجه نمیکنه. من چندساله این رفتارشو تحمل می‌کنم" (شرکت کننده زن ۱۱). "شوهرم همیشه می‌گفت طلاق بگیر، می‌گفتم بچه دارم نمیرم، بیرونم کرد، کتکم زد، نرفتم" (شرکت کننده زن ۷).

ب) قصه عشق وحشت (مرد)

در قصه عشق وحشت، فرد نقش یک آزاردهنده مطلق را دارد و دیگری را قربانی رفتارهای زننده خود می‌کند. چنین فردی سعی می‌کند روابطی را انتخاب کند که طی آن بتواند طرف مقابل را بترساند تا لذتی را که خواهان آن است برایش به ارمغان بیاورد، معمولاً در روابط وحشت، میزان تحقیر روزبه روز بیشتری شود و به روابط جنسی خشن گرایش دارند. قصه‌های وحشت بسیار مستعد خارج شدن از کنترل طرفین و لطمه زدن به طرف مقابل از لحاظ صدمات جسمی و روانی هستند (استرنبرگ، ۱۹۹۸). "خودم می‌بردمش بیرون، بدم می‌اومد می‌گفت میرم خیابون یه دور بزنم، مگه خیابون جای دور زدنه با این وضعیت جامعه" (شرکت کننده مرد ۱۱). "تو رابطه جنسی مون هم عذابم می‌داد یه جورایی من رو شکنجه می‌داد حتی گریه هم می‌کردم اما بهم رحم نمی‌کرد" (شرکت کننده زن ۷). "من خودم الان به این نتیجه رسیدم به بعضی زن‌ها نباید رو داد چون سوارت میشن" (شرکت کننده مرد ۱۲).

۴) قصه عشق باغ - قصه عشق جنگ

چهارمین، پنجمین، هشتمین، نهمین و دهمین زوج در این طبقه قرار گرفت. در این طبقه ۳ نفر از زنان قصه عشق باغ و دو نفر از مردان قصه عشق جنگ داشتند. همچنین دو نفر از زنان قصه عشق جنگ و سه نفر از مردان نیز قصه باغ داشتند.

قصه عشق باغ

در قصه عشق باغ افراد رابطه را به عنوان یک باغچه در حال رشد می‌بینند که به مراقبت دائم نیاز دارد. افراد در این قصه اهمیت مراقبت و همدلی بین فردی را عمیقاً درک کرده‌اند. این

افراد مدام در حال مراقبت و پرورش رابطه هستند با این حال این قصه عشق خطراتی نظیر گرفتار شدن در کسالت و یا رسیدن به حالت خفقان است که تنش‌زا است و تداوم رابطه را با بی‌احساسی و بی‌تفاوتی مواجه می‌کند. "محبتم به شوهرم زبانزد خانواده بود حتی دیگران می‌گفتن چرا انقدر زیاده‌روی میکنی. می‌گفتم آخه پدر و مادر نداره محبت واقعی نپشیده" (شرکت‌کننده زن ۴). "من از اول جوری وظایفم رو تو زندگی بخاطر عشق انجام می‌دادم که تو خانواده من رو مثال می‌زدن" (شرکت‌کننده زن ۵). "همیشه تلاش کردم که بهش محبت کنم و رابطه مون صمیمی باشه. ولی همیشه تلاشم یک طرفه بود" (شرکت‌کننده مرد ۸)

قصه عشق جنگ

"واقعیتش همسرم مثل بقیه خواهراش بشدت پرخاشگره، مثل بچه بیش فعاله، یه حرفی رو بزنی ده تاشو برمی‌گردونه" (شرکت‌کننده مرد ۹) "من نمی‌تونم خیلی چیزارو قبول کنم بلد نیستم تظاهر کنم. مثلاً خیلی بهم گیر بدن یا انتظار الکی داشته باشن زود عصبانی میشم" (شرکت‌کننده مرد ۴). "خیلی وقت جروبحث داشتیم. اما خیلی وقتاً من خودم رو از دعوا میکشم کنار، مثلاً بعضی وقتا خوبه یه دفعه ۱۸۰ درجه عوض میشه" (شرکت‌کننده مرد ۸).

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد پدیدارشناختی به واکاوی قصه عشق زوج‌های متقاضی طلاق پرداخت. تحلیل یافته‌ها منجر به آشکار شدن ۸ مضمون اصلی در ۴ طبقه شد، که عبارت‌اند از قصه عشق ایثار - قصه عشق پلیسی در طبقه اول، قصه عشق ایثار - قصه عشق جنگ در طبقه دوم، قصه عشق ایثار - قصه عشق وحشت در طبقه سوم و قصه عشق باغ - قصه عشق جنگ در طبقه چهارم. اولین مضمون در طبقه اول قصه عشق ایثار است، گویه‌های شرکت‌کنندگان بیانگر آن است افراد دارای این قصه عشق، به‌نوعی در مواجهه با موقعیت‌های تنش‌زا در زندگی حالت انفعالی داشتند این افراد با گذشت‌های افراطی در

مقابل مشکلات، امید به بروز تغییر داشتند و با مشکلات زندگی مدارا می‌کردند این یافته با سنخ سازش‌گر از دیدگاه ویرجینیا ستیر^۱ که خود را بی‌اهمیت و دیگران را بااهمیت و به‌منظور ایجاد انسجام و وحدت از تعارض اجتناب می‌کند مشابه است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷). رایجت^۲ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود گزارش دادند که امکان دارد هزینه‌های ایثار مانند تجربه هیجان‌های منفی و سرکوب این هیجان‌ها در طی فداکاری باعث پایین آمدن رضایت زناشویی شود. بدیهی است که در شکل‌گیری قصه عشق ایثار نباید نقش مؤثر بافت فرهنگی و مذهب را در رفتارهای فداکارانه افراد نادیده گرفت که به‌نوعی افراد را در مسیر ایثار سوق می‌دهد لذا، پژوهش خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۸) که گزارش کردند سازه‌های فرهنگی و عقاید مذهبی از اجزای اصلی فداکاری در جامعه ایرانی است، این یافته را تأیید می‌کند. دومین مضمون در طبقه اول، قصه عشق پلیسی است زنانی که قصه عشق پلیسی داشتند کنترل کردن همسر خود را توعی واکنش طبیعی قلمداد می‌کردند و آن را با عناوینی همچون علاقه و مراقبت از زندگی مشترک توجیه می‌کردند اما در واقع این افراد به علت احساس ناامنی که در رابطه خود داشتند به کنترل کردن اقدام می‌کردند و نهایتاً همسر خود را از ارتباطات با دیگران منع می‌کردند. سرزنش کردن از دیگر ویژگی‌های این افراد بود که به‌طور مداوم توصیف‌های منفی از همسران خود داشتند، زوجینی که درصدد کنترل همدیگر هستند بیشتر از افراد دیگر از روش‌های سرزنش‌آمیز استفاده می‌کنند، در واقع می‌خواهند به‌نوعی احساس برتر بودن خود را حفظ کنند. مضمون دیگر، سوءظن این افراد بود که با بدبینی عملکرد همسر خود را تفسیر می‌کردند و به‌علت بدبین بودن به وفاداری همسر تا حد امکان همسر خود را محدود می‌کردند. این افراد که در زندگی زناشویی خود دچار مشکل می‌شوند به کنترل کردن متوسل می‌شوند با این تصور که همسرانشان مسئول وقایع منفی زندگی هستند و فرد خود را محق می‌دانند هر کاری برای تغییر رفتار همسر انجام بدهد. اغلب رفتار کنترل‌گرایانه

1. Virginia

2. Righetti

ریشه در کودکی افراد دارد لذا می‌توان گفت از این لحاظ قصه عشق پلیس با سبک دلبستگی اضطرابی مشابه است. هدایتی (۱۳۹۸) در پژوهش خود عنوان کرد در حقیقت آنچه استرنبرگ به‌عنوان روایت عاشقانه معرفی می‌کند و شرط تداوم آن را ایفای نقش مکمل دو معشوق در قصه‌های همسان قرار می‌دهد نوعی الگوی دلبستگی و رویه ارتباطی دوران خردسالی میان فرد با معشوق نخستین، یعنی مادر است که نخستین بار توسط فروید مطرح شد و در نظریه‌های مختلفی مثل سبک‌های دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) به‌خوبی تظاهر یافت. همچنین دانلوپ^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی که سبک دلبستگی را در داستان‌های عشق افراد بررسی کردند گزارش دادند کسانی که قصه‌های جامعه‌پسند دارند سطح پایین‌تری از سطح دلبستگی ناایمن و سطح بالاتری از رضایت را نشان داده‌اند. همچنین می‌توان گفت که بین قصه عشق پلیس و طرحواره رهاشدگی / بی‌ثباتی تشابه وجود دارد زیرا طرحواره‌های ناسازگار اولیه مشابه سبک دلبستگی عمدتاً از تجربه‌های دوران کودکی ناشی می‌شوند (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). در تبیین رابطه زوج‌هایی که قصه‌های عشق ایثار - پلیس هستند می‌توان گفت که این قصه‌های عشق با الگوی ارتباطی توقع/کناره‌گیر تشابه دارد (کریستینسن و شنک^۲، ۱۹۹۱). در ترکیب این قصه‌های عشق، یکی از زوج‌ها سعی می‌کند از طریق انتقاد و سرزنش دیگری را وارد بحث درباره مشکل کند اما دیگری تلاش می‌کند بحث را تمام کند و یا از آن اجتناب کند و سکوت کند (مسلمی و همکاران، ۱۳۹۶). بدیهی است هنگامی که در زوج‌های که این قصه‌های عشق را دارند، نابرابری نقش وجود دارد فردی که قصه عشق فداکاری دارد به‌خاطر اجتناب از تعارض تمایل دارد از همسر خود تبعیت داشته باشد، این افراد به‌علت اجتناب از تنش از پرداختن به گفتگوهای مفید خودداری می‌کنند که این به‌نوبه خود باعث تضعیف رابطه خواهد شد، لذا واضح است وقتی فردی که قصه عشق ایثار دارد پس از ادراک نابرابری رابطه و ارزیابی اینکه آسیب‌های یک رابطه بیشتر از منافع آن است، نسبت به تحت کنترل

1. Dunlop
2. Christensen & Shenk

بودن ابراز نارضایتی می‌کند، از سوی دیگر فردی که قصه عشق پلیس دارد هنگام مواجه شدن با اعتراض همسر بیشتر دچار اضطراب ناشی از حس طردشدن شده، لذا برای غلبه بر این اضطراب اقدام به کنترل‌گری بیشتری می‌کند و نارضایتی بیشتر همسر را فراهم می‌کند و این چرخه معیوب همچنان تکرار می‌شود و نتیجتاً سبب تزلزل در زندگی مشترک شده. بنابراین زمانی رابطه رضایت بخش خواهد بود که قصه عشق افراد با ماهیت یکدیگر سازگاری داشته باشند (رامش و فرهادی، ۱۳۹۴). اولین مضمون در طبقه دوم، قصه عشق ایثار می‌باشد، اگرچه صفت ایثار یک ویژگی مثبت است و فداکاری و سازش پیش نیاز ضروری یک خانواده کارآمد می‌باشد و در تداوم زندگی، اثربخش است اما اگر میزان سازش زوجها بیش از اندازه باشد زمینه نارضایتی را فراهم می‌آورد. در تأیید این یافته می‌توان به پژوهش پارکر و پاتندن^۱ (۲۰۰۹) اشاره کرد که حاکی از آن است اگر فداکاری به میزان لازم صورت گیرد و در آن، حد تعادل رعایت شود بر روابط آثار مثبتی دارد و اگر فداکاری در حد زیاد و به صورت مرتب انجام شود بر روابط آثار منفی دارد. دومین زیرمضمون، از خودگذشتگی به خاطر علاقه به همسر بود که این زیرمضمون با مفهوم عشق آگاهانه از دیدگاه لی مشابه است (لی^۲، ۲۰۰۶). در تبیین زیرمضمون کوتاه آمدن در جروبحث‌ها می‌توان گفت این زنان به خاطر پیشگیری از تنش بیشتر در تعارض‌ها کوتاه می‌آمدند و سکوت را به عنوان راهبردی جهت ممانعت از تعارض انتخاب می‌کردند. در تبیین زیرمضمون تبعیت کامل از همسر می‌توان گفت که این شرکت‌کنندگان جهت اثبات علاقه خود به همسر و حفظ زندگی اطاعت کامل از همسر را داشتند با تصور اینکه با تبعیت از همسر امکان همراه شدن همسر برای بهبود شرایط زندگی فراهم شود. قصه عشق ایثار با طرحواره ناسازگار اطاعت مشابه است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳). دومین مضمون در طبقه دوم، قصه عشق جنگ است، بنابر گفته‌های شرکت‌کنندگان می‌توان گفت که برخی از آن‌ها در تعامل با همسر خود به خشونت‌های جسمی و کلامی متوسل می‌شدند و

3. Parker & Pattenden

2. Li

ضمن اذعان به داشتن این رفتار علت آن را رفتار همسر و مشکلات زندگی عنوان می‌کردند و خشونت خود را توجیه می‌کردند تعداد زیادی از این توجیه‌ها قویاً از منظر و زاویه فرهنگی و اجتماعی حمایت می‌شود زیرا با توجه به اینکه عوامل زیادی در خشونت مردان علیه زنان تأثیر دارد اما یکی از مهم‌ترین علل آن ریشه فرهنگی دارد زیرا این افراد در خانواده‌هایی رشد یافته‌اند که خشونت یک رفتار عادی است و علت دیگر آن، اینکه با توجه به نگرش‌های مردسالاری، اقدام به خشونت توسط شوهر منعکس‌کننده قدرت و برتری مردان است لذا این نگرش‌های مردسالارانه سبب شده تا مردان خود را در اعمال خشونت ذیحق دانسته و سعی در توجیه آن داشته باشند. در تبیین زیرمضمون توهین کردن می‌توان گفت که توهین و بی‌احترامی از ابعاد خشونت کلامی است که مردان دارای قصه عشق جنگ، برای تحقیر همسرانشان به کار می‌بردند. در تبیین رابطه زوج‌هایی که قصه‌های عشق ایثار - جنگ دارند می‌توان گفت در قصه عشق ایثار زمانی منجر به رضایت خواهد شد که هم فداکار، هم دریافت‌کننده ایثار از نقش خود راضی باشند و نقش مکمل داشته باشند. در رابطه قصه عشق ایثار - جنگ امکان دارد فرد به خاطر ترس از برهم خوردن زندگی مشترک، ترس از خشونت و تحقیر همسر و یا حتی به علت تعهدی که به قصه عشق ایثار خود که ریشه در فرهنگ و تجربیات گذشته دارد اقدام به اطاعت از خواسته‌های همسر کند و مجبور به پنهان کردن احساسات و هیجان‌های خود باشد اما زمانی که انتظاراتش محقق نشود باعث دلزدگی فرد می‌شود، در تأیید این یافته ایمپت^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود گزارش کردند فداکاری‌های که به منظور پرهیز از نتایج منفی انجام می‌شود، یعنی فداکاری با انگیزه اجتنابی، رضایت کمتری به دنبال دارد بنابراین سبب افزایش اثرات منفی و نارضایتی در رابطه می‌شود. همچنین البوغیش و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش خود گزارش دادند که انگیزه اجتنابی در فداکاری در پی کاهش خشم، تعارض، اختلاف و دوری از پیامد منفی است. این انگیزه شاید در کوتاه‌مدت مانع از

فروپاشی رابطه و بروز تعارض شود، اما در طولانی مدت به دلیل ایجاد عواطف منفی در فرد و به دنبال آن کاهش تمایل فرد به برقراری رابطه با همسر خواهد شد. در نتیجه زمانی قصه عشق جنگ منجر به رضایت طرفین خواهد شد که قصه عشق جنگ، قصه مشترک زن و شوهر باشد و هر دو خواهان جنگ باشند، زمانی که قصه یکی از طرفین جنگ باشد و قصه طرف مقابل ایثار باشد به علت اینکه فردی که قصه ایثار دارد به طور مداوم در برابر خواسته‌های همسر کوتاه می‌آید و از تنش اجتناب می‌کند و در مقابل فردی که قصه جنگ دارد به نوعی دچار رکود می‌شود و باعث نارضایتی‌اش خواهد شد چون هیجانی که خواهان آن است در رابطه وجود ندارد. لذا به علت عدم تناسب قصه جنگ با قصه ایثار زمینه برای فروپاشی رابطه فراهم می‌شود و این یافته با نتایج پژوهش علایی و کرمی (۱۳۸۶) که نشان داده‌اند در زوج‌هایی که رضایت کمتری دارند قصه‌های عشق مشابه نیست، شباهت دارد. اولین مضمون حاصل از تحلیل قصه‌های عشق در طبقه سوم، قصه عشق ایثار است. این یافته با سنخ مهرطلب از دیدگاه کارن هورنای^۱ مشابه است. (کولیدج^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). هورنای در توصیف شخصیت روان‌رنجور با ویژگی غالب مهرطلبی اظهار می‌دارد سنخ مهرطلب برای خودش و به نفع خودش کمتر کاری انجام می‌دهد ولی برای دیگران حاضر به خدمت است. خود ایده‌آلی‌اش به او امر می‌کند تا جایی که می‌توانی به دیگران کمک کنی، رعایت دیگران را بکنی، عشق و فداکاری مبذول داری و در روابط خود با دیگران ملایمت و رأفت نشان دهی (هورنای، ۱۹۵۰). همچنین عوامل فرهنگی تأثیر مستقیمی بر شخصیت و تظاهرات رفتاری افراد دارد. زنان معمولاً پرخاشگری خود را به خاطر ترس از دست دادن توجه مثبت دیگران سرکوب می‌کنند (فیض‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۹).

دومین مضمون در طبقه سوم، قصه عشق وحشت می‌باشد. افرادی که قصه عشق وحشت دارند تکنیک‌های خاصی برای تخریب کردن همسر، تمسخر، تحقیر، سرزنش،

1. Horney
2. Coolidge

قطع ارتباط جنسی با همسر به کار می‌برند و یا فرآیند رابطه جنسی را وسیله‌ای برای تحقیر همسر خود به کار می‌برند و صراحتاً یا غیرمستقیم به همسر خود تأکید می‌کنند که او فقط وسیله‌ای برای رفع نیازهایش است، و در طی رابطه جنسی رفتارهای سادیستی از خود نشان می‌دهند، این یافته با سنخ برتری طلب از دیدگاه کارن هورنای مشابه است (کولینج و همکاران، ۲۰۱۵). در تبیین رابطه زوجینی که قصه عشق ایثار - وحشت دارند می‌توان گفت این رابطه به الگوی ارتباطی مهرطلب/ برتری طلب از دیدگاه کارن هورنای شباهت دارد. فردی که قصه عشق ایثار دارد در تمام زندگی سعی در رضایت همسر دارد و تمایلات خود را سرکوب می‌کنند. شاید در اوایل زندگی مشترک، زندگی این دو زوج مطلوب باشد زیرا فرد دارای قصه ایثار همیشه در برابر فرد دارای قصه وحشت که مهمترین مشخصه آنها تسلط قدرت است کوتاه می‌آید و از او اطاعت می‌کند لذا فرد سلطه‌گر، حالت سلطه‌پذیری همسر خود را می‌پسندد. اما به مرور تعارض پدیدار می‌شود زیرا فرد فداکار به پاس فداکاری‌های خود در زندگی انتظار بهتر شدن شرایط و پاسخ فداکاری خود را دارد در مقابل هم فرد سلطه‌گر محبت را نشانه ضعف می‌پندارد و به‌طور مداوم به میزان تحقیرها و خشونت‌هایش نسبت به همسر افزوده می‌شود و فرد فداکار از رفتارهای همسر بیشتر دچار اضطراب می‌شود و برای تسکین این اضطراب به سلطه‌پذیری بیشتری برای جلب رضایت همسر خود اقدام می‌کنند در نهایت فرد سلطه‌گر به مرور ایثار و ضعف همسر برایش هیجانی ندارد، و این شرایط نیز به مرور برای فرد فداکار غیرقابل تحمل می‌شود و تعارض‌های این دو فرد شدت می‌گیرد و سبب عدم رضایت دو طرف می‌شود. لازم به ذکر است که امکان دارد قصه وحشت همیشه خودساخته نباشد یعنی بنا به شرایط به وجود آمده باشد مثلاً رفتار یکی از طرفین سبب ایجاد حس تلافی و انتقام شود و در طول زمان این حس تقویت شود (استرنبرگ، ۲۰۰۱). اولین مضمون حاصل از تحلیل قصه‌های عشق در طبقه چهارم، قصه عشق باغ است. در تبیین این یافته می‌توان گفت همان‌گونه که یک باغ و باغچه به رسیدگی مداوم نیاز دارند یک رابطه نیز به توجه و رسیدگی همیشگی نیاز دارد، افرادی که این قصه را دارند معتقد بودند که در انجام وظایف خود به‌عنوان همسر بهترین عملکرد را داشته‌اند و عرضه عشق و محبت به خانواده را، به بهترین وجه انجام داده‌اند. این یافته با عشق غریزی از دیدگاه جان لی مشابه است (لی، ۲۰۰۶). دومین مضمون حاصل از تحلیل قصه‌های عشق در طبقه چهارم، قصه عشق جنگ می‌باشد در تبیین زیرمضمون پرخاشگری می‌توان گفت خشونت در روابط زوج‌ها، وسیله‌ای جهت اثبات قدرت و نمایی از سلطه‌گری است. نداشتن ثبات، تحقیر کردن ابعادی

از خشونت روانی هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دل‌بستگی به‌عنوان مکانیزم تنظیم هیجان عمل می‌کند لذا می‌توان انتظار داشت که با هیجان خشم و پرخاشگری مرتبط باشد (بلنجر^۱ و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین نتایج بررسی فورنیر^۲ و همکاران (۲۰۱۰) در زمینه دل‌بستگی و پرخاشگری نشان دهنده ارتباط دل‌بستگی و پرخاشگری در روابط زناشویی است. بر همین اساس می‌توان گفت که قصه عشق جنگ با دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی تشابه دارد. در تبیین رابطه زوجینی که قصه‌های عشق باغ - جنگ دارند می‌توان گفت که زنانی که قصه باغ دارند به شدت از مراقبت کردن از زندگی و انجام نقش‌های خود در زندگی راضی هستند و همیشه در حال توجه و رسیدگی به زندگی هستند اما از دیدگاه استرنبرگ عمده‌ترین آسیب احتمالی که برای این قصه وجود دارد کم شدن هیجان و راکد شدن رابطه است، لذا طرف مقابل آن‌ها که دارای قصه جنگ هستند در صورتی این قصه برای آن‌ها رضایت‌بخش خواهد بود که در رابطه حالت برنده و بازنده برای آن‌ها وجود داشته باشد در چنین روابطی افراد دارای قصه جنگ از هر چه بیشتر پیروز شدن لذت می‌برند و در راستای این هیجان خواهی، خواهان قصه جنگ در زندگی خود هستند بنابراین به واسطه عدم تشابه این دو قصه، زمینه نارضایتی آنها فراهم خواهد شد. تحلیل گفته‌های مصاحبه‌شوندگان منجر به شناسایی چهار طبقه قصه عشق (قصه ایثار - پلیس، قصه ایثار - جنگ، قصه ایثار - وحشت و قصه باغ - جنگ) شد. اغلب یکی از زوجین دارای قصه عشق با ماهیت و کارکردی سالم بود و با این حال قصه عشق طرف مقابل ماهیت مخرب داشت. تعامل این دو قصه عشق با یکدیگر زمینه را برای بروز تعارض فراهم کرده و به مرور آن‌ها را به سمت طلاق هدایت کرده بود. داشتن زندگی زناشویی موفق براساس یافته‌های حاصل از این پژوهش، زمانی ممکن است که قصه عشق طرفین از یکسو ماهیت و کارکردی سالم داشته باشد و از سوی دیگر با قصه عشق طرف مقابل نیز همسویی و تناسب داشته باشد. در غیر این صورت تداوم این روابط تا حد زیادی دور از واقعیت است. در مراکز مشاوره پیش از ازدواج، بایستی ماهیت و کارکرد قصه عشق متقاضیان ازدواج ارزیابی گردد و میزان تناسب و همسویی آن‌ها با یکدیگر مشخص شود. این امر می‌تواند موفقیت ازدواج را تا حد زیادی پیش‌بینی کند. از سوی دیگر متخصصین مشاوره می‌توانند با اصلاح قصه عشق زوجین متقاضی ازدواج و یا متعارض و متناسب کردن آن‌ها با

یکدیگر، زمینه را برای داشتن رابطه زناشویی موفق فراهم کرده و تا حد زیادی از بروز طلاق پیشگیری کنند. زوج‌های متقاضی طلاق معمولاً تنش زیادی را تجربه می‌کنند و به‌خاطر احساسات منفی که نسبت به یکدیگر دارند ممکن است در پاسخدهی به سؤالات صداقت و از یکسو جامعیت کافی را رعایت نکنند. در واقع وضعیتی که در آن قرار دارند ممکن است آن‌ها را به سمتی سوق داده باشد که طرف مقابل را مقصر اصلی شکست موجود قلمداد کرده و سعی در نشان دادن خویش به صورت مطلوب داشته باشند. پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی قصه عشق زوجینی که از یکدیگر طلاق گرفته‌اند و بطور کامل از پیوند پیشین رها شده‌اند مورد واکاوی قرار گیرد و همچنین قصه عشق بین زوج‌های موفق مورد بررسی قرار گیرد. روشن شدن قصه عشق زوجین موفق و ناموفق می‌تواند نقش تبیین‌کنندگی نوع قصه‌های عشق و تعامل آن‌ها با یکدیگر را در پیش‌بینی موفقیت زندگی زناشویی دقیق‌تر روشن سازد.

قدردانی: در پایان از تمام زوجینی که در این پژوهش شرکت نمودند و همه افرادی که ما را در این پژوهش یاری رساندند کمال سپاس و قدردانی را داریم. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد شیدا کاظمی در مقطع کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده دانشگاه کردستان است. در انجام مطالعه حاضر نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

منابع

- احمدی، شمس‌الدین؛ آزاد فلاح، پرویز و فراهانی، حجت‌اله. (۱۳۹۷). «بازبینی الگوهای غالب ارتباطی زوجین ایرانی بر مبنای "بن‌مایه تعارضی ارتباط" یک بررسی کیفی. مطالعات روان‌شناسی بالینی، ۸(۳۲)، ۶۷-۹۷.
- افشاری، زهرا. (۱۳۹۴). مقایسه صمیمیت و سازگاری زناشویی بر مبنای همسانی پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی همسران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- البوغیث، توفیق؛ خجسته‌مهر، رضا؛ عباس‌پور، ذبیح‌اله. (۱۳۹۸). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس انگیزه‌های استقبالی و اجتنابی فداکاری و رفتارهای فداکارانه در بافت فرهنگی اهواز. روان‌شناسی فرهنگی، ۳(۲)، ۱۳۹-۱۵۵.
- امینی، مرتضی. (۱۳۹۷). اثربخشی زوج‌درمانی هیجان‌محور بر صمیمیت زناشویی و کارکردهای خانواده. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه کردستان.
- ایوری، علی. (۱۳۹۳). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی تلفیقی بر تعارضات زناشویی و آزار عاطفی زوجین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: انتشارات دیدار.
- بهاری‌ساروخیل، لیلا. (۱۳۹۴). بررسی کیفی عمل به باورهای دینی و راهبردهای مقابله‌ای در زوجین در آستانه طلاق. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- حسین‌مردی، آتنا. (۱۳۹۰). بررسی بازنگری و هنجاریابی مقیاس قصه عشق در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- خجسته‌مهر، رضا؛ محمدی، رزگار؛ سودانی، منصور و عباس‌پور، ذبیح‌الله. (۱۳۹۷). تجربه زیسته فداکاری در ازدواج‌های پایدار (یک مطالعه پدیدارشناسی توصیفی روان‌شناسانه). فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره، ۱۷(۶۵)، ۱۵۰-۱۸۶.
- رامش، امیر رضا؛ فرهادی، سعید. (۱۳۹۴). بررسی ارتباط مؤلفه‌های نظریه قصه عشق استرنبرگ (قصه عشق به مثابه یک داستان) با رضایت زناشویی. کنفرانس بین‌المللی علوم رفتاری و مطالعات اجتماعی، تهران.
- رمضان، نساء؛ نوری، نسیم. (۱۳۹۷). پیش‌بینی قصه‌های عشق براساس سبک‌های دفاعی و خودپنداره. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۴(۵۵)، ۳۴۵-۳۶۱.
- زرگرشاهی، راحله؛ فرهنگی، عبدالحسن. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس اعتماد در روابط زناشویی و رابطه آن با مقیاس قصه عشق با تحلیل عامل تأییدی. فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌سنجی، ۷(۲۵)، ۱۳۳-۱۴۰.
- شاه‌کریمی، محسن. (۱۳۹۴). تاثیر درمان مرور زندگی با تاکید بر هستی‌شناسی اسلامی بر تعارضات زناشویی و تصمیم‌بر پایداری ازدواج. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- صبوری، نادیا. (۱۳۹۵). پیش‌بینی ملاک‌های همسرگزینی براساس نگرش به عشق و ویژگی‌های شخصیتی خودشیفته و وابسته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و فرهنگ.
- صوفی‌نژاد، مریم؛ مرادی، شهاب. (۱۳۹۵). مقایسه قصه‌های عشق نظریه استرنبرگ در زوجین متقاضی طلاق با زوجین عادی. اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، <https://en.civilica.com/doc/643587>.
- عاطفی، فائزه. (۱۳۹۸). پدیدارشناسی علل و عوامل تاثیرگذار در گرایش به کودک‌آزاری و راهکارهای پیشگیرانه و مداخله‌ای آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبایی.
- علائی، پروانه؛ کریمی، ابوالفضل. (۱۳۸۶). ساخت و هنجاریابی قصه عشق و بررسی رابطه آن با رضایت زناشویی. فصلنامه روان‌شناسی معاصر، ۲(۲)، ۳۹-۵۴.
- فیض‌آبادی، زهره؛ مکوند حسینی، شاهرخ؛ رفیعی‌نیا، پروین. (۱۳۹۹). مقایسه اثربخشی روان‌تحلیل‌گری کارن هورنای و شناخت‌درمانی بر سبک‌های حل تعارض زنان روان‌رنجور. مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی، ۲۷(۲)، ۲۱۱-۲۳۲.
- قاسمی، علیرضا؛ ساروخانی، باقر. (۱۳۹۳). عوامل اجتماعی طلاق و سلامت روانی اجتماعی در زوجین متقاضی طلاق توافقی و غیرتوافقی. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، ۸(۲۶)، ۷-۲۳.
- کریمی، مریم. (۱۳۹۸). پیش‌بینی قصه‌های عشق و سبک‌های عشق‌ورزی از روی نیازهای اساسی گلاسر و طرحواره‌های ناسازگار اولیه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.

- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ گال، جویس. (۲۰۱۵). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (جلد دوم). ترجمه‌ی احمدرضا نصرافهانی و همکاران، ۱۳۹۶. تهران: انتشارات سمت.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۳). بسترها، پیامدها و سازگاری زنان مطلقه شهر تهران. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱)، ۱۳۵-۱۷۲.
- مختاری، زهرا؛ کیانپور، مسعود؛ آقابابایی، احسان. (۱۳۹۷). از "عشق واقعی" به "دوست داشتن منطقی": یک مطالعه پدیدارشناسانه. پژوهشنامه زنان، ۲(۹)، ۷۱-۹۹.
- مسلمی، مریم؛ آقایی، حکیمه و شعبانی، زهرا (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مبتنی بر رویکرد روایت درمانی گروهی بر الگوهای ارتباطی در زوجین دانشجوی. فصلنامه دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۸(۲)، ۵۱-۶۰.
- مقدم‌سامان، نیکو. (۱۳۹۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی در افسردگی و امید به زندگی در زنان مطلقه تحت پوشش بهزیستی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.
- هدایتی، مهنوش. (۱۳۹۸). عشق به‌مثابه بلوغ مراقبتی نقدی بر نظریه‌های عشق استرنبرگ و ارائه رویکردی نوین به عشق در روابط زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۵(۶۰)، ۴۳۷-۴۶۶.
- Bates, C., Terry, L., & Popple, K. (2016). Importance of Romantic Love to People with Learning Disabilities. *British Journal of Learning Disabilities*, 45(1), 64-72.
- Belanger, C., Maathieu, C., Dugal, C., & Courchesne, C. (2015). The Impact of Attachment on Intimate Partner Violence Perpetrated by Women. *The American Journal of Family Therapy*, 43(5), 441-453.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss: Volume 1. Attachment*. New York: Basic Books.
- Brown, S. L., & Wright, M. R. (2017). Marriage, Cohabitation, & Divorce in later Life. *Innovation in Aging*, 1(2), 1-10.
- Christensen, A., & Shenk, J. L. (1991). Communication, Conflict, and Psychological Distance in non Distressed, Clinic and Divorcing Couples. *Journal of Consulting & Clinical Psychology*, 59 (3): 458-463.
- Coolidge, F. L., Segal, D. L., Estey, A. J., Spinath, F. M., Hahn, E., & Gottschling, J. (2015). Heritability Estimates of Karen Horney's Core Neurotic Trends in a Young Adulttwin Sample. *Psychology*, 6, 2013-2024.
- Costa, P. T., McCrae, R. R., Martin, T. A., Oryol, V. E., Rukaishnikov, A. A., Senin, I. G., Hrebickova, M., & Urbanek, T. (2004). Consensual Validation of Personality Traits across Culture. *Journal of Research in Personality*, 38, 179-201.
- Dunlop, W.L., Bühler, J.L., Maghsoodi, A., Harake, N., Wilkinson, D & P. McAdams, D. (2020). The Stories Couples Live. *Journal of Social and Personal Relationships*, SAGE Publications, 1, 1-21.
- Fournier, B., Brassard, A., & Shaver, P. R. (2010). Adult Attachment and Male Aggression in Couple Relationships: The Demand-Withdraw Communication Pattern and Relationship Satisfaction as Mediators. *Journal of Interpersonal Violence*, 26(10). 1982-2003.
- Frankel, L. A., Umemura, T., Jacobvitz, D., Hazen, N. (2015). Marital Conflict & Parental Responses to Infant Negative Emotions: Relations with Toddler Emotional Regulation. *Infant Behavior & Development*, 40(1), 73-83.
- Guba, E. G., & Lincoln, Y. S. (1989). *Fourth Generation Evaluation*. New York, NY: Sage Publications.
- Gustavsen, G. W., Nayga, R. M., & Wu, X. (2015). Effects of Parental Divorce on Teenage Children's Risk Behaviors: Incidence & Persistence. *Journal of Family Economics*, 10(1), 121-130.

- Hatfield, E., & Walster, G. W. (1978). *A New Look at Love*. Reading, MA: Addison-wesly.
- Hatfield, E., & Rapson, R.L. (1996). *Love and sex: A cross-cultural perspective*. New York: Allyn & Ba- con.
- Horney, K. (1950). *Nervousness and Human Growth*. Translated by Mosaffa, M. J. Tehran. Begjat Publications.
- Hosokawa, R., & Katsura, T. (2017). Marital Relationship, Parenting Practices, & Social Skills Development in Preschool Children. *Child Adolescent Psychiatry Mental Health*, 11(2), 2-8
- Impett, E. A., Gordon, A. M., Kogan, A., Oveis, C., Gable, S. Ll., & Keltner, D. (2010). Moving Toward more Perfect Unions: Daily and Long-Term Consequences of Approach and Avoidance Goals in Romantic Relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 99(6), 948.
- Karami, S., Ghasemzade, A., Saadat, M., Mazaheri, E., & Zandipour, T. (2012) Effects of Group Counseling with Cognitive-Behavioral Approach on Reducing Divorce Children's Depression. *Journal of Social & Behavioral Sciences*, 46(1), 77-81.
- Li, N., & Kenrick, D. (2006). Sex Similarities and Differences in Preferences for Short-Term Mates: What, Whether, and Why. *Journal of Personality and Social Psychology*, 90(3): 468-489.
- Marphatia, A. A., Ambale, G. S., & Reid, A. M. (2017). Women's Marriage Age Matters for Public Health: A Review of the Broader Health & Social Implications in South Asia. *Frontiers in Public Health*, 5(1), 269-269.
- Matshidze, P., & Nemutandani, V. (2017). The Role of the Vhavenda Women in Managing Marital Conflict in Thulamela Municipality, Thohoyandou: an Indigenous Perspective. *Empowering Women for Gender Equity*, 30(3), 70-79.
- Nympha, M., Carandang. S., Vivien, I., Guda, P. (2015). Indicators of Marital Satisfaction of Batangueno Couples: Components of Love and the other External Factors in Marriage. *International Journal of Information and Education Technology*, 5(1), 60-70.
- Parker, R., & Pattenden, R. (2009). *Strengthening and Repairing Relationships: Addressing Forgiveness and Sacrifice in Couples Education and Counselling*. Pennsylvania: Citeseer.
- Righetti, F., Balliet, D., Visserman, M., & Hofmann, W. (2015). Trust and the Suppression of Emotions During Sacrifice in Close Relationships. *Social Cognition*, 33(5), 505-19.
- Sailor, J. L (2006). *A Phenomenological Study of Falling Out of Romantic Love as Seen in Married Couples*. Dissertation of doctor of philosophy, Capella University.
- Sheets, V. L (2014). " Passion for Life: Self-Expansion and Passionate Love Actore the Life Span", *Journal of social and personal relationships*, Vol. 31(7).
- Sprecher, S. (2002). A study of men & women from different sides of earth determine if men are from mars & women are from vanes in their beliefs about love and romantic relationship. *Sex Role*, 46 (5&6), 131-137.
- Sternberg, R. J. (1998). *Love is a story: A New Theory of Relationships*. New York, NY, US: Oxford University Press.
- Sternberg, R. J., Hojjat. & Barnes, M. (2001). Empirical Test of Aspect of a Theory of Love as a Story. *European Journal of Personality*, 15(1), 199-218.
- Van Manen M. phenomenology of Practice: Meaning-Giving Methods in Phenomenological

Research and Writing. Abingdon, 2016.

Van Manen, M. (1990). *Research Lived Experience: Human Science for an Action Sensitive Pedagogy*. London, Ontario: State University of Newyork press.

Vinberg, I. (2015). Emotional Awareness- the key to Dealing Appropriately with Children of Divorced Families in Schools. *Journal of Social & Behavioral Sciences*, 209(1), 514-518.

Vallgård, K. A. A. (2017). Divorce, Bureaucracy, & Emotional Frontiers: Marital Dissolution in Late Nineteenth century Copenhagen. *Journal of Family History*, 42(1), 81-87.

Young, J. E., Klosko, J. S., & Weishaar, M. E. (2003). *Schema Therapy: A Practitioner's Guide*. New York: Guilford Press.